فصلنامه علمی اقتصاد و بانکداری اسلامی، شماره پنجاه و چهارم، بهار ۱۴۰۵- صفحات ۱۱۲-۹۵

عقود مشارکتی مبتنی بر نظام بانکی بدون ربا و شروط ضمن آن از دیدگاه فقهی و حقوقی

نوع مقاله: پژوهشی

حسین اسلامی[۱]
سید مهدی میرداداشی کاری[۲]
ابراهیم دلشاد معارف[۳]

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۶/۲۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۸/۲۰

چکیده

قراردادهای مشارکتی در نظام بانکی بدون ربا، از جمله ابزارهای تخصیص منابع محسوب می‌شوند که بر مبنای شرکت عقدی مالکان سرمایه تنظیم می‌گردند. با وجود استاندارد بودن این قراردادها، درج شروطی یک‌جانبه در آنها موجب نادیده گرفتن حقوق مشتری و چالش‌های فقهی و حقوقی شده است. این مقاله با رویکرد توصیفی–تحلیلی، به بررسی وضعیت عقود مشارکتی و شروط ضمن آن بر اساس مبانی فقه امامیه، حقوق مدنی ایران، و رویه قضایی می‌پردازد. نتایج پژوهش نشان داد که موانعی مانند فقدان تحول فقهی متناسب با نظام بانکی، نبود سازوکارهای اجرایی برای تحقق بانکداری اسلامی، و درج شروط خلاف مقتضای ذات عقد در قراردادها، موجب انحراف از اهداف بانکداری بدون ربا شده است. همچنین، بررسی نمونه قراردادها و رویه قضایی نشان داد که ایراداتی نظیر اعطای تسهیلات نامشروع، سفید امضا بودن فرم‌ها، و پرداخت تسهیلات برای تسویه بدهی قبلی، موجب صدور آرای متفاوت از سوی محاکم شده است. در پایان، الگوی پیشنهادی تفکیک منابع عقود مشارکتی از بانک‌های تجاری و سپردن آن به مؤسسات سرمایه‌گذاری، با هدف پاسخ‌گویی کامل به نیازهای تولید و راه‌اندازی اقتصادی، ارائه شده است. اجرای این الگو مستلزم بازنگری قانون عملیات بانکی بدون ربا و بهره‌گیری از ظرفیت‌های فقهی، حقوقی و اجرایی کشور خواهد بود.

واژگان کلیدی: *عقود مشارکتی، ربا، سود بانکی، بانکداری اسلامی، شروط ضمن عقد، قراردادهای بانکی، فقه معاملات، حقوق مدنی ایران.*

طبقه بندی JEL : G21, P51, K12, Z12

---

[۱] گروه حقوق، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران 4679844086@iau.ir
[۲] گروه حقوق، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران (نویسنده مسئول) sm.mirdadashi1351@iau.ac.ir
[۳] گروه حقوق، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران 0381637883@ iau.ac.ir

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-24]

مقدمه

عقد مشارکت مدنی به‌عنوان یکی از ابزارهای مهم تأمین مالی در نظام بانکداری اسلامی، بر پایه‌ی مشارکت دو یا چند نفر در سرمایه‌گذاری اقتصادی و تقسیم سود و زیان شکل می‌گیرد. قانون عملیات بانکی بدون ربا (مصوب ۱۳۶۲) این عقد را در مواد ۷ تا ۱۷، مجاز شمرده و بانک‌ها را ملزم کرده تا در طرح‌های تولیدی، خدماتی و بازرگانی با مشتریان شریک شوند. با وجود تعریف فقهی دقیق از مشارکت، بررسی قراردادهای مشارکت بانکی نشان می‌دهد که بانک‌ها با استفاده از فرم‌های استاندارد ابلاغی بانک مرکزی (مصوب ۱۳۹۲)، شروطی را در قراردادها درج کرده‌اند که موجب شکل‌گیری عقود الحاقی و نقض اصل حاکمیت اراده شده است. مشتری عملاً در موقعیتی تحمیلی قرار دارد و امکان مذاکره در خصوص مفاد قرارداد یا شروط ضمن آن را ندارد؛ به‌طوری‌که پذیرش همه تعهدات بانک شرط دریافت تسهیلات معرفی شده است.

از طرفی، برخی شروط ضمن عقد همچون الزام مشتری به پرداخت زیان‌های ناشی از حوادث قهری، تضمین سود قطعی برای بانک، سلب حق فسخ، و تعهد به خرید سهم‌الشرکه بانک در پایان قرارداد با سود مشخص، هم از منظر حقوق مدنی و هم از نظر فقه معاملات اسلامی محل اشکال هستند. در فقه امامیه شرطی که با مقتضای ذات عقد منافات داشته باشد، موجب بطلان آن می‌شود، و مواردی چون تضمین سود یا انتقال ریسک یک‌جانبه از جمله مصادیق شروط خلاف مقتضای عقد مشارکت‌اند. در نتیجه، نوعی تعارض مفهومی و اجرایی میان عقود مشارکتی مصوب بانک‌ها و اصول فقهی حاکم بر مشارکت وجود دارد که باید به دقت مورد بررسی قرار گیرد.

بانک‌ها برای هم‌راستا کردن اجرای عقود مشارکتی با الزامات نهادی خود، در مفاد قراردادها شروطی را وارد کرده‌اند که بسیاری از آن‌ها با ویژگی‌های بنیادین مشارکت در فقه اسلامی و اصول حقوقی مغایرت دارد. شروطی مانند سلب حق فسخ، ضمانت سود قطعی برای صاحب سرمایه، انتقال یک‌سویه ریسک و تعهد به پرداخت زیان‌های غیرقابل کنترل، عملاً باعث تبدیل مشارکت به قراردادی غیرقابل مذاکره و الحاقی شده‌اند. در حقوق مدنی، این نوع شروط تحمیلی به‌عنوان خلل در اصل عدالت قراردادی تلقی شده و در فقه نیز اگر شرطی با مقتضای ذات عقد منافات داشته باشد، موجب بطلان کل عقد می‌گردد. در مقابل، اگر شرط مخالف اطلاق عقد باشد، قابل پذیرش است، و مرز این دو در منابع فقهی محور اختلاف‌نظر است؛ اما در عقود بانکی، بسیاری از شروط از نوع نخست بوده و با مقتضای عقد مشارکت در تضاد هستند.

از منظر نهادی نیز، ساختار بانک به‌عنوان واسطه‌ی مالی ریسک‌گریز و وابسته به منابع سپرده‌گذاران، امکان نظارت مستقیم، تقسیم سود واقعی، و پذیرش زیان عملیاتی را ندارد؛ به‌همین‌دلیل اجرای مشارکت واقعی در سطح خرد بانکی ممکن نیست. افزون بر این، در سطح کلان

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-24]

اقتصادی نیز، ویژگی‌هایی مانند ثبات نرخ سود، نقش بانک در سیاست پولی، و وظایف بانک در جهت‌دهی به منابع افراد ریسک‌گریز، با ماهیت مشارکت در تعارض است. نتیجه آنکه تعامل بانک‌ها با عقود مشارکتی نه از منظر شرعی و نه از منظر حقوقی، با مشارکت واقعی تطابق ندارد و این امر موجب تضعیف کارکردهای تأمین مالی اسلامی در شبکه بانکی شده است.

در قراردادهای مشارکت مدنی بانکی، نابرابری قدرت مذاکره و وضعیت حقوقی میان بانک و متقاضی تسهیلات، زمینه‌ساز شکل‌گیری شروطی شده که با اصول عدالت قراردادی، قواعد فقهی و اهداف نظام بانکداری اسلامی در تضاد است. تقسیم غیرمنصفانه منافع، انتقال یک‌سویه ریسک زیان، و الزام به تعهدات غیرقابل چانه‌زنی، مصادیق بارز «شروط تحمیلی ماهوی» هستند که در عمل موجب کاهش اثربخشی عقود مشارکتی شده‌اند. از سوی دیگر، فقدان سازوکارهای اجرایی برای تطبیق قراردادها با الزامات شرعی، ضعف نظارت دقیق بانک‌ها بر طرح‌های سرمایه‌گذاری، و انگیزه بالا برای دستیابی به سود تضمینی باعث شده‌اند که مشارکت واقعی از نظام بانکی فاصله بگیرد.

در منابع فقهی، شرط مخالف مقتضای ذات عقد موجب فساد عقد بوده و شروطی که تنها مخالف اطلاق عقد باشند، نافذ تلقی می‌گردند. تشخیص مصادیق این شروط نیازمند تحلیل دقیق ساختار حقوقی–فقهی قراردادهای بانکی است تا بتوان ضمن رفع شبهات شرعی، زمینه را برای تحقق مشارکت واقعی فراهم کرد. با توجه به چالش‌های مفهومی، حقوقی و اجرایی موجود، انجام پژوهشی منسجم در خصوص ماهیت عقود مشارکتی در نظام بانکی بدون ربا، بررسی شروط ضمن عقد از منظر فقه معاملات و حقوق مدنی ایران، و ارائه الگوی عملی برای اصلاح ساختار این عقود، از ضرورت‌های علمی و کاربردی پیش‌روی حوزه بانکداری اسلامی محسوب می‌شود. این مقاله با هدف پاسخ به همین ضرورت شکل گرفته است تا راهکارهایی برای تحقق بانکداری بدون ربا و مشارکت مبتنی بر عدالت حقوقی و شرعی ارائه دهد.

پیشینه مطالعات حقوقی و فقهی

مطالعات حقوقی در حوزه بانکداری اسلامی به‌ویژه در ارتباط با تفکیک وظایف بانکی و اصلاح ساختار عقود مشارکتی، رویکردهای متنوعی را پیشنهاد کرده‌اند. محسن خان در کتاب مطالعات نظری در بانکداری و مالیه اسلامی دوگانگی در سپرده‌پذیری بانک‌های اسلامی را مطرح می‌کند؛ حساب‌های جاری بدون سود و ذخیره قانونی کامل، و حساب‌های سرمایه‌ای با ماهیت مشارکتی و بدون تضمین نرخ سود (خان[1]، ۱۹۸۶). این تفکیک، مبنایی برای طراحی سیستم مالی فاقد ربا معرفی شده است.

[1] Khan

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-24]

محققنیا در اثر خود با عنوان ساختار بانکداری اسلامی و ارائه الگویی برای بانکداری اسلامی در ایران، الگوی تفکیک وظایف سپردهپذیری از وظایف سرمایهگذاری را ارائه میدهد تا بانکها از دریافت سود در حسابهای جاری اجتناب کرده و منابع لازم برای تسهیلات را از مسیرهای غیرربوی تأمین کنند (محققنیا، ۱۳۹۵). در همین راستا، داودی و محققنیا در مقاله بانکداری محدود، نظام قرضالحسنه را بهعنوان شکل خاصی از بانکداری اسلامی بدون ربا معرفی کردهاند که با حمایت دولت و بیمه سپردهها قابل توسعه در سطح ملی است (داودی و محققنیا، ۱۳۹۴).

داودی و صمصامی در کتاب بهسوی حذف ربا از نظام بانکی در بانکداری اسلامی، الگوی تفکیک عملیات بانکی را پیشنهاد کردهاند و تشکیل سه نهاد مستقل—بانک قرضالحسنه، بانک سرمایهگذاری و شرکتهای لیزینگ—را مسیر تحقق بانکداری اسلامی واقعی میدانند (داودی و صمصامی، ۱۳۹۲). در سطح حقوق مدنی، دکتر ناصر کاتوزیان در کتاب حقوق مدنی: مشارکتها و صلح، ماهیت عقد مشارکت را جایز دانسته و تفصیل شرایط تصرف، فسخ و تقسیم سود را از منظر حقوقی بررسی کرده است (کاتوزیان، ۱۳۹۱). همچنین دکتر شیروی در کتاب حقوق مدنی: قراردادهای ویژه، ویژگیهای قراردادهای مشارکتی و آثار تعهدات ضمن عقد را با تمرکز بر عدالت قراردادی تحلیل نموده است (شیروی، ۱۳۹۶). در سطح بینالمللی، مطالعاتی مانند کتاب حقوق سرمایهگذاری خارجی اثر حاتمی و کریمیان، مفهوم جوینت ونچر و ساختار حقوقی قراردادهای سرمایهگذاری مشترک را در پرتو حقوق ایران و اسناد بینالمللی بررسی کردهاند (حاتمی و کریمیان، ۱۳۹۹).

در منابع فقهی نیز، مشروعیت و شرایط اجرای عقود مشارکتی از قرون اولیه مورد توجه فقها بوده است. شهید ثانی در الروضة البهیة عقد شرکت را جایز دانسته و بر ضرورت رضایت طرفین در تصرفات تأکید کرده است (شهید ثانی، ۱۴۱۰ق). علامه حلی در تحریر الاحکام نیز تقسیم سود و زیان بر اساس سهم و رضایت طرفین را شرط صحت عقد میداند (علامه حلی، ۱۴۲۰ق).

محمدباقر صدر در اثر مهم خود البنک اللاربوی فی الاسلام، اصل تفکیک عملیات بانکی بر اساس مضاربه و مشارکت را با هدف حذف ربا بنیانگذاری میکند و تأکید دارد که بانک اسلامی باید در سود و زیان تجاری شریک واقعی باشد (صدر، ۱۴۰۳ق). همچنین طباطبایی یزدی در العروة الوثقی، شروط ضمن عقد را معتبر دانسته به شرطی که با مقتضای ذات عقد مخالفت نداشته باشند (طباطبایی یزدی، ۱۴۰۴ق).

فقهایی همچون محمد نجفی در جواهر الکلام و اردبیلی در مجمع الفائده و البرهان، ساختار شرکت عقدی را با دقت از نظر حدود تصرفات، نحوه تقسیم سود و ضمانت شرعی بررسی کردهاند. سید محمود هاشمی شاهرودی نیز در اثر خود با عنوان الشرکه، آسیبهای شروط خلاف مقتضای عقد را یادآور شده و حفظ عدالت معاملاتی را مبنا قرار داده است (بیتا).

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-24]

بررسی فقهی و حقوقی ساختار عقود مشارکتی بدون ربا در نظام بانکی

در نظام بانکداری بدون ربا، عقد مشارکت مدنی بانکی یکی از عقود اساسی تأمین مالی محسوب می‌شود. این عقد که بر اساس ماده ۱۸ آیین‌نامه قانون عملیات بانکی بدون ربا تعریف شده، شامل درآمیختن سهم‌الشرکه اشخاص حقیقی یا حقوقی به نحو مشاع با هدف انتفاع است. قرارداد مشارکت مدنی واجد ماهیت عقدی، معوض، عهدی، لازم، مستمر و تشریفاتی است و تنها با رعایت الزامات حقوقی و شکل مصوب بانک مرکزی نافذ است (باریکلو، ۱۳۹۴: ۸۶؛ کاتوزیان، ۱۳۹۹: ج۲، ص ۲۳). با این حال، به دلیل ضعف نظارتی و صوری‌شدن قراردادها، بانک‌ها غالباً از شروط تحمیلی برای حفظ منافع خود استفاده می‌کنند. یکی از شروط بحث‌برانگیز، واگذاری حق اداره شرکت به مشتری بدون رعایت اشاعه واقعی در مالکیت و اختیار تصرف است که با مقتضای عقد مشارکت در تعارض بوده و مصداق سوءاستفاده از موقعیت برتر اقتصادی بانک تلقی می‌شود. همچنین در حوزه ختم مشارکت، شروطی نظیر شرط جواز یا محدودیت در تقسیم مال مشاع و نحوه تخصیص سود نیز به گونه‌ای درج شده‌اند که اصل تساوی و توافق طرفین را نقض کرده‌اند (سیفی مازندرانی، ۱۴۲۷ق، ص ۵۸-۵۹؛ موسوی خمینی، ۱۴۲۱ق، ج۵، ص۲۸۵).

از سوی دیگر، نظام بانکی در ایران با محدودیت‌های اجرایی خاصی مواجه است. مشارکت تنها در بخش‌های مشخص تولیدی، صنعتی، معدنی، کشاورزی، خدمات و بازرگانی ممکن است. سقف زمان مشارکت مدنی یک سال، و حداکثر مشارکت بانک ۸۰٪ تعیین شده است. در مشارکت حقوقی نیز سهم بانک در شرکت‌های جدید حداکثر ۴۹٪ و در سهام موجود ۲۰٪ است. سرمایه‌گذاری مستقیم با تشکیل شرکت سهامی خاص یا عام انجام شده و تابع مقررات بودجه‌ای و اداری خاص است. همچنین عقود مضاربه، مزارعه و مساقات دارای مدت، زمینه و محدوده کاربرد مشخص‌اند که انحراف از آنها مشروعیت شرعی عقد را مخدوش می‌سازد (دستورالعمل اجرایی قانون، ماده ۳، ۶ و ۱۰؛ نظرپور و ملاکریمی، ۱۳۹۴: ۱۴۰).

در فرآیند انعقاد قراردادهای مشارکتی، رعایت شرایط عمومی (ماده ۱۹۰ قانون مدنی) شامل قصد و رضا، اهلیت طرفین، موضوع معین معامله، و مشروعیت جهت، الزامی است. این شرایط حتی در قراردادهای مبتنی بر ماده ۱۰ قانون مدنی، که خارج از عقود معین تعریف می‌شوند، باید لحاظ شوند. اگر این شروط در زمان انعقاد وجود نداشته باشند، قرارداد می‌تواند غیرنافذ یا قابل تنفیذ باشد، نه لزوماً باطل (شهیدی، ۱۳۹۰: ۸۹). علاوه بر شرایط عمومی، قراردادهای مشارکتی دارای شرایط اختصاصی‌اند که ویژگی‌های خاص این عقود را شکل می‌دهند. وجود سهم‌الشرکه واقعی، تقسیم سود و زیان به نسبت سهم، و انتفاعی بودن با سود انتظاری از جمله شروط بنیادی عقود مشارکتی‌اند. این ویژگی‌ها در عقود مختلف نظیر مشارکت مدنی، حقوقی، مضاربه، مزارعه و مساقات، نمود متفاوتی

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-24]

دارند. در مضاربه، سرمایه از سوی مالک و عمل از سوی عامل است و سود طبق نسبت توافقی تقسیم می‌شود؛ در مزارعه و مساقات، زمین و درختان از سوی مالک و عمل زراعی از سوی عامل واگذار می‌شود و قرارداد باید بر مبنای زمان کافی برای برداشت محصول بسته شود (موسویان، ۱۳۸۹: ۶۶؛ امام خمینی، ۱۴۲۱: ۳۲۱).

از منظر حقوقی، قراردادهای مشارکتی دارای ساختار معوض، مستمر، غیرتملیکی، و مبتنی بر نظارت‌اند. به ویژه نظارت بانکی بر عملکرد پروژه و مشارکت واقعی در سود و زیان از الزامات فقهی صحت عقد شمرده می‌شود. هرگونه شرط تحمیلی نظیر تضمین سود ثابت، سلب حق فسخ، یا الزام به خرید سهم بانک با نرخ معین، با ماهیت عهدی و مشارکتی این عقود ناسازگار است و می‌تواند باعث بطلان یا عدم نفوذ قرارداد شود (کاتوزیان، ۱۳۹۹: ج۲، ص۲۳؛ نظرپور و صادقی فدکی، ۱۳۸۹). در کنار الزامات تشکیل قرارداد، توجه به محدودیت‌های اجرایی در هر نوع عقد مشارکتی ضروری است. در مشارکت مدنی، محدودیت‌ها شامل حوزه فعالیت (تولیدی، صنعتی، خدماتی...)، سقف زمانی (یک تا سه سال)، و حداکثر سهم بانک (۸۰٪) می‌شود. در مشارکت حقوقی، میزان مالکیت بانک‌ها در شرکت‌های جدید حداکثر ۴۹٪ و در شرکت‌های موجود حداکثر ۲۰٪ است، و مشارکت در خدمات نیازمند تأیید بانک مرکزی است. سرمایه‌گذاری مستقیم نیز تابع مقررات پیچیده‌ای است؛ از جمله نیاز به هماهنگی با بودجه دولت، تأمین بخش عمده‌ای از منابع از محل شرکت، و تشکیل شرکت سهامی با حداقل سه یا پنج شریک (دستورالعمل اجرایی سرمایه‌گذاری مستقیم، ماده ۳).

در مضاربه، تنها عقود تجاری مشمول عقد هستند؛ مدت قرارداد یک سال، نرخ سود بر اساس مصوبات شورای پول و اعتبار تعیین می‌شود، و بانک‌ها در واردات مجاز به مضاربه با بخش خصوصی نیستند. در مزارعه و مساقات نیز، مدت قرارداد اغلب یک‌ساله است و بانک‌ها تنها با اجازه بانک مرکزی مجاز به مالکیت زمین یا باغ هستند. این محدودیت‌ها از منظر شرعی برای تضمین مشروعیت عقود، و از منظر اقتصادی برای جلوگیری از مخاطرات بانکی طراحی شده‌اند (کاتوزیان، ۱۳۹۹: ج۲، ص۲۷). در مجموع، ساختار حقوقی–فقهی عقود مشارکتی بانکی تنها زمانی منطبق با نظام بانکداری بدون ربا خواهد بود که اصول اشاعه واقعی، سود غیرتضمینی، رضایت طرفین، و حذف شروط تحمیلی رعایت شوند. هرگونه انحراف از این اصول، به‌ویژه از طریق درج شروط غیرمنصفانه، نه‌تنها مشروعیت فقهی قرارداد را زیر سوال می‌برد، بلکه می‌تواند اساس مشارکت را به تسهیلات ربوی صوری تبدیل نماید؛ امری که برخلاف اهداف قانون عملیات بانکی بدون ربا و آرمان‌های عدالت‌محور بانکداری اسلامی است..

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-24]

ساختار اجرایی عقود مشارکت مدنی بانکی و تأثیر شروط مغایر بر ماهیت قرارداد

عقود مشارکت مدنی در نظام بانکداری بدون ربا به‌عنوان یکی از ابزارهای تأمین مالی اسلامی، مبتنی بر مشارکت واقعی طرفین در سود و زیان فعالیت اقتصادی تعریف می‌شوند. با این حال، ساختار اجرایی فعلی این قراردادها در شبکه بانکی کشور عمدتاً با الزامات فقهی و ماهیت حقوقی عقد مشارکت ناسازگار بوده و به‌صورت قالب‌های صوری و قراردادهای الحاقی پیاده‌سازی می‌شود. شروط ضمن عقد، به‌ویژه شرط تضمین سود و عدم‌پذیرش زیان توسط بانک، نه‌تنها مشارکت را از حالت واقعی خارج می‌سازد، بلکه موجب تغییر ماهیت قرارداد از «عقد مشارکت» به «قرارداد تعهدی یک‌جانبه» شده و اراده طرف ضعیف را از مسیر معاوضه منصفانه کنار می‌زند. بررسی این ساختار و آسیب‌های ناشی از شروط مغایر، راه را برای ارائه الگوی اصلاحی در راستای تحقق عدالت، شفافیت و کارایی بانکی اسلامی هموار می‌سازد.

شروط تحمیلی و نابرابری قراردادی در عقود مشارکت مدنی بانکی

در نظام بانکداری بدون ربا، یکی از چالش‌های مهم در ساختار اجرایی عقود مشارکتی، گسترش «شروط تحمیلی» است؛ شروطی که به دلیل نابرابری قدرت اقتصادی یا موقعیت اضطراری مشتری، به‌صورت غیرمنصفانه توسط بانک‌ها در قرارداد گنجانده می‌شود (کریمی، ۱۳۸۱: ۷۵). این شروط از حیث اثر، به دو دسته «شروط تحمیلی شکلی» و «شروط تحمیلی ماهوی» تقسیم می‌شوند. شروط شکلی با کاهش قدرت چانه‌زنی مشتری، نابرابری در فرایند انعقاد قرارداد را موجب می‌شوند؛ در حالی‌که شروط ماهوی به‌گونه‌ای تنظیم شده‌اند که سود، مسئولیت و حقوق قراردادی را به‌صورت یک‌طرفه به نفع بانک تحمیل می‌کنند (ساردویی نسب و کاظم‌پور، ۱۳۹۰: ۵۲).

مصادیق بارز شروط تحمیلی ماهوی در قراردادهای مشارکت مدنی بانکی عبارت‌اند از: تقسیم نامتوازن سود مشارکت، واگذاری یک‌سویه هزینه‌های اجرایی، تعهدات فعلی یک‌جانبه، حق تفسیر مندرجات قرارداد توسط بانک، و سلب حق تقاضای افراز مال مشترک از مشتری. این موارد، علی‌رغم برخورداری از ظاهر حقوقی، در عمل تعادل قراردادی را نقض کرده‌اند و با فلسفه مشارکت در تضادند. برای مقابله با این وضعیت، راهکارهایی مانند محاسبه سود در پایان فعالیت اقتصادی مشترک (قادری، ۱۳۸۲: ۲۹۵)، بازپرداخت تدریجی سهم بانک و واگذاری تدریجی شرکت به مشتری (نصرآبادی و شعبانی، ۱۳۸۷: ۹۸-۹۹)، تخصیص بخشی از مازاد سود به شریک برای افزایش انگیزه، پذیرش کناره‌گیری شریک بدون اخلال در پروژه، و استفاده از نهادهای نظارتی مستقل جهت کنترل اجرای قرارداد پیشنهاد شده‌اند. این راهکارها می‌توانند ضمن حفظ حقوق بانک، از تحمیل بی‌ضابطه تعهدات به مشتری جلوگیری کرده و مشارکت واقعی را محقق سازند.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-24]

تحلیل حقوقی و رویه قضایی در قبال وضعیت شکلی قراردادهای مشارکت بانکی

در آسیب‌شناسی ساختار اجرایی عقود مشارکت مدنی بانکی، یکی از چالش‌های شکلی، انعقاد قرارداد مؤخر مشارکت برای تسویه تسهیلات قبلی است. بانک‌ها با استفاده از این روش، محدودیت‌های قانونی نرخ سود در عقود مبادله‌ای را دور زده و سود ثابت را تحت عنوان مشارکت درج می‌کنند (محمودیان، ۱۳۹۶: ۱۵۱). این در حالی‌ست که طبق تبصره ۲ ماده ۱۰ دستورالعمل اجرایی مشارکت مدنی، پس از خاتمه قرارداد نخست، بانک می‌بایست به یکی از عقود مبادله‌ای مانند فروش اقساطی رجوع کند. رویه قضایی در مواجهه با این قراردادها، دیدگاه‌های متفاوتی ارائه داده است. برخی دادگاه‌ها با تفسیر عقد دوم به‌عنوان تمدید عقد قبلی یا قرارداد مستقل، آن را صحیح دانسته‌اند. برخی دیگر با استناد به فقدان تحقق واقعی مشارکت، عدم مصرف سرمایه در طرح، و فقدان سود انتظاری، رأی به بطلان قرارداد مؤخر داده‌اند. آثار این نظریه بطلان عبارت‌اند از محدود شدن حق بانک به مطالبه اصل سرمایه، محاسبه بدهی بر اساس عقد قرض‌الحسنه، و سلب حقوق بانک نسبت به سود مشارکت (نظرپور و ملاکریمی، ۱۳۹۷: ۱۳۰-۱۳۱).

در کنار آن، یکی دیگر از چالش‌های شکلی در انعقاد قرارداد، سفیدامضا بودن بخش‌هایی از فرم‌های بانکی است. بسیاری از مشتریان در شرایط اضطرار یا تحت فشار، مجموعه‌ای از فرم‌های قرارداد را بدون اطلاع کامل و بدون تکمیل مفاد امضا می‌کنند. این پدیده در دعاوی بانکی سبب اختلافات متعدد شده است. رویه قضایی در قبال این اسناد، بار اثبات سفیدامضا بودن را بر عهده مدعی قرار داده و اعتبار سند را به اثبات نقض اراده واقعی مرتبط دانسته است. با این حال، در مواردی مانند سند رهنی سفیدامضا، دادگاه‌ها به‌واسطه عدم آگاهی و غفلت در تکمیل بندهای کلیدی، رأی به بی‌اعتباری سند داده‌اند (همان: ۱۳۳).

تحلیل حقوقی و رویه قضایی در قبال محتوای قراردادهای مشارکت بانکی

در تحلیل محتوای قراردادهای مشارکتی، بررسی ارکان اصلی عقد مشارکت و شروط ضمن آن از منظر رویه قضایی اهمیت بسزایی دارد. نخست، در مواردی که سرمایه اعطایی توسط بانک در غیر موضوع توافق‌شده مصرف شود، یا تسهیلات در زمینه‌هایی که بانک صلاحیت قانونی برای مشارکت ندارد اعطا گردد، دادگاه‌ها به اعتبار این عقود ایراد گرفته‌اند. نتیجه این رفتارها در قالب‌های مختلف مشارکتی—اعم از مشارکت مدنی، حقوقی، سرمایه‌گذاری مستقیم یا مضاربه و مزارعه—ممکن است منجر به غیرنافذ بودن یا فسخ قرارداد شود و یا بانک را ملزم به ایفای تعهد و تحمل مسئولیت ناشی از استنکاف در اجرای عقد سازد.

در بخش شروط ضمن عقد، شروط به دو دسته «غیرمبطل» و «مبطل» تقسیم می‌شوند. شروط غیرمبطل، مانند شرط صفت، نتیجه یا فعل، در صورتی که با ماهیت عقد مشارکت سازگار باشند، از

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-24]

سوی دادگاه‌ها پذیرفته می‌شوند. در مقابل، شروط مبطل مانند شرط مخالف مقتضای ذات عقد، موجب بی‌اعتباری کل قرارداد می‌گردند. یکی از موارد رایج، عدم ذکر نسبت تقسیم سود یا تعیین سود قطعی و تضمین‌شده است؛ زیرا عقد مشارکت مبتنی بر مشارکت در سود و زیان است و شرط سود تضمینی، خلاف ماهیت مشارکت و مصداق شرط باطل مبطل قرارداد تلقی می‌شود (محمودیان، ۱۳۹۶: ۷۸). همچنین شرطی که بر اساس آن، شریک متعهد می‌شود هرگونه ضرر و زیان وارده به اصل سرمایه یا سود را جبران کند، از سوی برخی دادگاه‌ها به عنوان شرط خلاف قواعد امانت در فقه و مغایر با اصل آزادی قرارداد، رد شده است. در فقه اسلامی، شریک به‌مثابه امین شناخته می‌شود و ضامن تلف یا نقصان مال نیست، مگر در صورت تعدی و تفریط. بنابراین، چنین شرطی که ریسک اقتصادی را به‌طور کامل از بانک دور کرده و بر شریک تحمیل کند، ناقض اصل عدالت معاوضی در قراردادهای اسلامی است (همان: ۷۹).

آسیب‌شناسی عدم اجرای صحیح عقود مشارکتی و راهبردهای اصلاحی در نظام بانکی جمهوری اسلامی ایران

مطابق بررسی‌های انجام‌شده، عقود مشارکتی در نظام بانکداری بدون ربا با چالش‌های ساختاری جدی مواجه‌اند که ماهیت مشارکتی آن‌ها را مخدوش ساخته‌اند. مقایسه تطبیقی میان اجرای بانکی این عقود و چارچوب فقهی آن‌ها نشان می‌دهد که اجرای ناقص ناشی از ماهیت غیرتخصصی بانک‌های تجاری و اجتناب از پذیرش ریسک است (الهام و همکاران، ۱۳۹۶: ۵۹). در قراردادهای فعلی، بانک با درج شروطی چون پرداخت هزینه‌های اضافی، سلب حق فسخ، تضمین سود و خرید اجباری سهم‌الشرکه، تمام ریسک‌ها را به مشتری منتقل می‌کند و خود را از زیان‌های احتمالی مصون می‌سازد. این رفتار، به صوری‌شدن مشارکت و تبدیل آن به نوعی قرارداد بهره‌محور منجر شده است.

همچنین در سطح خرد، بانک‌ها فاقد تخصص لازم برای مشارکت در پروژه‌ها هستند و اغلب به‌جای مشارکت واقعی، تأمین مالی از طریق قالب ظاهری مشارکت صورت می‌گیرد. در سطح کلان، مشکلاتی نظیر اختلال در سیاست‌گذاری پولی، ایجاد نوسانات در نرخ سود سپرده‌ها، و کاهش انگیزه سرمایه‌گذاری افراد ریسک‌گریز از تبعات مستقیم اجرای ناقص این عقود است. در راستای اصلاح این وضع، سه راهبرد پیشنهاد شده است: حذف تدریجی تسهیلات مشارکتی از نظام بانکی؛ تفکیک وظایف سرمایه‌گذاری و تخصیص منابع از بانک‌ها و واگذاری آن به نهادهای تخصصی؛ و طراحی ساختار اقتصادی جدید منطبق با اصول اسلامی.

در بخش مربوط به عدم اجرای صحیح، ضعف نظارت شرعی، فضای رقابت غیرمسئولانه بین بانک‌ها، و بی‌توجهی به الزامات فقهی باعث شده است که شبهات ربوی درباره این عقود تقویت شود

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-24]

و اعتماد عمومی کاهش یابد. همچنین، اختلافات حقوقی ناشی از تنظیم ناقص قراردادها، عدم شفافیت در تعیین سود و مسئولیت‌ها، و فقدان مدارک کامل، موجب بروز دعاوی گسترده و تضعیف کارایی اجرایی عقود شده‌اند (سلطانی و حدادی،۱۳۹۶).

در بخش دوم، مشکلات ساختاری در تنظیم قراردادهای مشارکتی بانک‌ها شناسایی شده‌اند که پیامدهایی حقوقی، اقتصادی و شرعی به دنبال داشته‌اند. یکی از اصلی‌ترین چالش‌ها، درج شروط خلاف مقتضای ذات عقد مشارکت مدنی است؛ از جمله شرط تضمین سود در شرایط زیان و انتقال تمام ریسک به مشتری (الهام و همکاران، ۱۳۹۶: ۶۰). این شروط، برخلاف اصل مشارکت در سود و زیان، موجب بی‌اعتباری قرارداد یا تبدیل آن به عقد مبادله‌ای می‌شوند. همچنین درج بندهایی چون سلب حق اعتراض و تفسیر یک‌طرفه قرارداد توسط بانک، از نظر فقهی و حقوقی به‌عنوان شروط تحمیلی غیرمنصفانه تلقی می‌گردد.

در ادامه، عدم افتتاح حساب ویژه مشارکت، تعیین سود قطعی پیش از تحقق سود واقعی، محاسبه پیچیده سود بانکی با روش‌های مرکب، و عدم هماهنگی با ضامنین در تمدید قراردادها از دیگر موارد آسیب‌زای اجرایی هستند که موجب بروز دعاوی متعدد شده‌اند (سلطانی و حدادی، ۱۳۹۶؛ سیدنورانی و همکاران، ۱۳۹۸). همچنین بی‌دقتی در تکمیل متن قرارداد، فقدان مدت قرارداد مشارکت، اختلال در ترتیب دین و رهن، و عدم ارائه نسخه دوم قرارداد به مشتری از عواملی‌اند که موجب بطلان قراردادها در محاکم قضایی شده‌اند. در حوزه محتوایی نیز، تعیین سود بدون ارائه صورت‌های مالی واقعی، فقدان شفافیت اطلاعاتی، و استفاده صوری از قالب مشارکت برای تسویه بدهی‌های قبلی از مواردی‌اند که به صوری‌شدن قراردادها و نقض اصول عدالت معاوضی منجر شده‌اند. این نقض ساختاری، موجب افزایش تورم، بی‌اعتمادی عمومی، و تخصیص غیرمولد منابع شده است.

در تحلیل آسیب‌های مضاعف، پیچیدگی تفاسیر آیین‌نامه‌های بانکی، گستردگی وظایف مدیران بدون تخصص مرتبط، پایین‌بودن سطح آگاهی مشتریان از مفاهیم شرعی قراردادها، و ضعف عملکرد بانک مرکزی در سیاست‌گذاری‌های پولی، همگی منجر به کاهش کارایی عقود مشارکتی شده‌اند (مختاری، ۱۳۹۵؛ روحانی و پرهیزکاری، ۱۳۹۶). بی‌ثباتی اقتصاد کلان—از جمله نوسانات نرخ ارز، تورم، نقدینگی، و کسری بودجه—نیز اجرای مشارکت واقعی را مختل کرده و باعث انتقال ریسک به مشتریان شده است.

در پاسخ به این آسیب‌ها، الگوی پیشنهادی بر اساس اصول اقتصاد اسلامی و ساختار فقهی طراحی شده و مبتنی بر واگذاری کامل امور مشارکتی به مؤسسات سرمایه‌گذاری تخصصی است. این مؤسسات صرفاً نقش واسطه‌گری مالی دارند، از طریق کارمزد فعالیت می‌کنند، و در کنار نظارت شرعی، بر تخصیص منابع به بخش‌های واقعی اقتصاد تمرکز دارند. ابزارهایی مانند انتشار اوراق مالی اسلامی،

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-24]

سپرده‌های خاص، و گواهی‌های مشارکت نیز برای تجهیز منابع استفاده می‌شوند (سیدنورانی و همکاران، ۱۳۹۸).

این الگو همچنین با ویژگی‌هایی نظیر شفافیت، سادگی، عدالت‌محوری، اشتغال‌زایی، و انطباق با اهداف کلان اقتصاد اسلامی شناخته می‌شود و اجرای آن به‌صورت تدریجی و طی یک دوره پنج‌ساله در چهار مرحله برنامه‌ریزی شده است: تشکیل ستاد اجرایی، جداسازی عقود مشارکتی از بانک‌ها، تفکیک کامل فعالیت‌های سرمایه‌گذاری، و استقرار نهایی مؤسسات مشارکت مالی.

در اجرای الگوی پیشنهادی، مراحل عملیاتی شامل برنامه‌ریزی چهار مرحله‌ای طی یک دوره پنج‌ساله طراحی شده است. در مرحله اول، تشکیل ستاد اجرایی با ترکیب نهادهای کلیدی و اختیارات قانونی طبق اصول ۱۲۷ و ۱۳۸ قانون اساسی صورت می‌گیرد. در مرحله دوم، عقود مشارکتی به‌تدریج از نظام بانکی فعلی جدا شده و به مؤسسات سرمایه‌گذاری تخصصی سپرده می‌شود. این مؤسسات موظف‌اند با توزیع جغرافیایی مناسب، جذب سپرده‌های جدید و تدوین آیین‌نامه‌هایی مانند تبدیل سپرده‌ها به اوراق و ضوابط تجهیز منابع، فرآیند انتقال را کامل کنند.

در مرحله سوم، سپرده‌های سرمایه‌گذاری و فعالیت‌های مربوط به مشارکت به‌طور کامل از بانک‌ها تفکیک شده، و اتصال نهادی میان بورس، بیمه، مالیات و بانک اطلاعاتی جامع برقرار می‌شود. مرحله چهارم به تکمیل اصلاحات ساختاری، بازتعریف وظایف بانک مرکزی، ایجاد شورای فقهی تخصصی، و آغاز رسمی فعالیت مؤسسات جدید می‌پردازد.

نهایتاً الگوی پیشنهادی در تطابق کامل با قوانین فعلی از جمله قانون عملیات بانکی بدون ربا (۱۳۶۲)، قانون انتشار اوراق مشارکت (۱۳۷۶)، و بندهای اصل ۴۴ قانون اساسی قرار دارد. این ساختار با ویژگی‌هایی چون مطابقت شرعی، شفافیت، سادگی، جذب منابع به بخش واقعی اقتصاد، و کاهش ریسک و تورم، می‌تواند اعتماد عمومی را افزایش داده، عدالت اجتماعی را تقویت نموده و کارایی بلندمدت نظام مالی اسلامی را ارتقاء دهد.

نتیجه گیری

پژوهش حاضر با بررسی ساختار و عملکرد قراردادهای مشارکت مدنی در بانکداری بدون ربا، نشان داد که این قراردادها به‌رغم برخورداری از ماهیت شرعی، در اجرا با انحراف‌های جدی روبه‌رو هستند. تمایل بانک‌ها به استفاده از قالب‌های ظاهری قرارداد مشارکت—بدون تحقق مشارکت واقعی در سود و زیان—نشان‌دهنده خلأ نظارتی و ضعف تعهدات فقهی است. کاربرد اصطلاح «تسهیلات‌گیرنده» به‌جای «شریک» و گنجاندن شروط قطعی و غیر قابل مذاکره در قراردادهای الحاقی، موجب شده است که اراده تسهیلات‌گیرنده نقشی در ساختار قراردادی نداشته باشد. این امر نه‌تنها عدالت معاوضی

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-24]

را نقض می‌کند، بلکه ماهیت شرکت را نیز مخدوش ساخته و با اصول فقه مشارکت، از جمله لزوم اشاعه در مالکیت، در تضاد است.

این پژوهش همچنین بر ضرورت نظارت مستمر بانک بر پروژه‌های اقتصادی مشارکتی تأکید دارد. بانک باید مطابق سهم‌الشرکه در مدیریت یا نظارت مشارکت داشته باشد و تقسیم سود و زیان نیز صرفاً پس از پایان فعالیت اقتصادی و بر اساس واقعیت‌های مالی تحقق یابد. فقدان این تعهد اجرایی و حذف بند «در صورت تحقق» در دستورالعمل اجرایی قانون عملیات بانکی بدون ربا، موجب شده است که بانک‌ها تفاوتی میان سود انتظاری و سود قطعی قائل نشوند و عملاً ساختار بهره‌محور را حفظ کنند. این رفتار، جزو مصادیق شروط غیرمنصفانه شناخته شده در دستورالعمل‌های بین‌المللی و موجب کاهش اعتماد عمومی به بانکداری اسلامی شده است.

تحلیل ماهوی قراردادهای مشارکتی بانکی نشان می‌دهد که بسیاری از شروط مندرج در آن‌ها با اصول شرکت، مالکیت مشاع و تقسیم واقعی سود و زیان ناسازگارند. به‌ویژه شروطی چون تضمین اصل سرمایه و سود، سلب حق شکایت، و تفسیر یک‌جانبه بندهای قرارداد توسط بانک، مصداق شروط تحمیلی هستند که نه‌تنها عدالت معاوضی را نقض می‌کنند، بلکه اراده آزاد مشتری را نیز نادیده می‌گیرند. این گونه شروط برخلاف اصول فقهی نظیر قاعده لاضرر و قاعده عسروحرج بوده و به تضعیف موضع حقوقی تسهیلات‌گیرنده انجامیده‌اند.

بررسی الگوی اجرایی موجود در نظام بانکی حاکی از آن است که بانک‌ها به دلیل ویژگی‌های ساختاری مانند تمایل به ریسک‌گریزی، عدم برخورداری از تخصص پروژه‌ای، و الزام به ثبات نرخ سود، توانایی اجرای مشارکت واقعی را ندارند. حتی در صورت تغییر ساختار، نقش آن‌ها در اقتصاد کلان دچار اختلال می‌شود و اهدافی چون جهت‌دهی منابع، اجرای سیاست پولی و مدیریت نرخ سود بی‌ثبات می‌گردد. بنابراین، بازنگری کامل در مأموریت‌های بانک‌ها و جداسازی عملکرد مشارکتی از نظام بانکداری تجاری، یک ضرورت ساختاری است.

از دیگر آسیب‌های شناسایی‌شده، اختلاط میان سود قطعی و سود انتظاری، حذف نقش نهادهای نظارتی شرعی در تنظیم قراردادها، و عدم تمایز میان عقود مشارکتی و مبادله‌ای در اجراست. در نتیجه، تحقیق تأکید می‌کند که نه‌تنها بازنگری محتوایی در قراردادهای بانکداری ضروری است، بلکه باید الگوی اجرایی متفاوتی طراحی گردد که امکان تحقق مشارکت اسلامی را خارج از ساختار بانکی فراهم کند.

در پاسخ به چالش‌های اجرایی بانکداری بدون ربا، پژوهش حاضر الگوی جدیدی پیشنهاد می‌دهد که از منظر فقهی، معرفت‌شناختی و اقتصادی در چارچوب نظام اسلامی قابل دفاع است. این الگو بر اساس چهار مرحله طراحی‌شده است: ترسیم وضع مطلوب روابط مالی، تحلیل تفاوت‌های ساختاری

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-24]

موجود، تبیین اصول حرکت به سمت وضعیت مطلوب، و ارائه راهکارهای عملیاتی برای تأمین مالی تولید و اشتغال. از میان ابزارهای تأیید شده در اسلام، عقود مشارکتی با بازدهی متغیر و شراکت در سود و زیان، محور اصلی این الگو هستند.

ویژگی‌های محتوایی این الگو شامل هماهنگی با اهداف کلان اقتصاد اسلامی، اشتغال‌زایی، عدالت اجتماعی، و فقرزدایی است. ساختار پیشنهادی نیز مطابق با برنامه‌های بالادستی، اصول موضوعه فقهی، و سیاست‌گذاری‌های اقتصادی طراحی شده و بر استقلال مالی کشور، سلامت نظام پولی، و شفافیت اطلاعاتی تأکید دارد. در این الگو، مؤسسات سرمایه‌گذاری نقش واسطه‌گری مالی دارند و منابع مازاد اقتصادی را با ابزارهای اسلامی به بنگاه‌های تولیدی منتقل می‌کنند. این مؤسسات توانایی انتشار اوراق و ابزار مالی شرعی را نیز دارند و فعالیت‌های مشارکتی کاملاً از بانک‌های تجاری جدا شده است.

بازدهی الگو در مقایسه با ساختار فعلی بانک‌ها بالاتر ارزیابی شده و به دلیل جذب سرمایه به بخش واقعی اقتصاد، ثبات کلان، تعادل میان بازار پول و سرمایه، و رشد اشتغال را به دنبال خواهد داشت. این الگو همچنین با قانون عملیات بانکی بدون ربا و بندهای اصل ۴۴ قانون اساسی هم‌راستا بوده و با برنامه‌ریزی تدریجی در چهار مرحله و طی پنج سال قابل اجرا است: تشکیل ستاد اجرایی، جداسازی عقود مشارکتی از بانک‌ها، تفکیک کامل سپرده‌ها، و استقرار کامل مؤسسات سرمایه‌گذاری اسلامی.

در تکمیل طرح اصلاح ساختار بانکداری اسلامی، تشکیل بازار فراگیر سرمایه به عنوان زیرساخت موازی با نظام بانکی، اقدامی راهبردی تلقی می‌شود. فقدان چنین بازاری موجب تمرکز منابع در بانک‌ها و افزایش هزینه‌های اقتصادی و اجتماعی شده و مانعی برای تخصیص صحیح سرمایه به فعالیت‌های مولد گردیده است. این بازار می‌تواند از طریق جذب وجوه مازاد، ساماندهی مازاد نقدینگی و جلوگیری از هزینه‌های فرصت، پویایی اقتصادی را افزایش دهد.

همچنین تفکیک وظایف میان بانک‌های تجاری، بانک‌های تخصصی و بازار سرمایه، به تنوع ابزارها، پوشش طیف گسترده‌ای از سلیقه‌های سرمایه‌گذاران و ممانعت از صوری‌شدن قراردادهای مشارکتی منجر می‌شود. مشارکت واقعی در سود و زیان و حذف نرخ‌های ثابت سود، عامل محرکی برای نظارت و تعامل مؤثر شرکا خواهد بود که کارایی فعالیت‌های اقتصادی را ارتقا می‌بخشد. بر همین اساس، بانک‌ها ملزم‌اند از اعمال شروط ضمانت‌کننده سود پرهیز نموده و نرخ سود را تابع شرایط واقعی بازار، مدیریت پروژه و کیفیت اجرا قرار دهند.

از دیگر الزامات بنیادین، تجدیدنظر در قانون منطقی‌کردن نرخ سود تسهیلات بانکی است. این قانون نباید مانع از تحقق نرخ‌های بازدهی متغیر و مشارکتی شود. همچنین تغییر رویکرد بنگاه‌های

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-24]

اقتصادی از سودمحوری به نگاه اجتماعی و اخلاقی، مستلزم مداخله سیاستی و فرهنگی بانک مرکزی است. در صورت حمایت دولت از اصل سرمایه در پروژه‌های مشارکتی و نظارت دقیق بر اجرا، فضای بازتولید اقتصادی فراهم می‌شود و بنگاه‌های راکد احیا خواهند شد.

در راستای تحقق جامع اهداف اقتصاد اسلامی، مجموعه‌ی راهکارهای ارائه‌شده در این تحقیق به‌گونه‌ای طراحی شده‌اند که با مبانی معرفت‌شناختی، هستی‌شناختی، انسان‌شناختی و ارزش‌مدار شریعت اسلام هماهنگ بوده و در جهت عملیاتی‌سازی عقود مشارکتی به‌عنوان ابزار مالی مشروع، عادلانه و کارآمد عمل نمایند. از منظر اقتصاد اسلامی، انسان موجودی الهی است که باید نیازهای مادی، اجتماعی و فرهنگی‌اش در چارچوب اخلاق، احسان، کرامت و استقلال مالی و سیاسی تأمین گردد؛ و این مهم، در سایه استقرار بانکداری اسلامی تحقق‌پذیر خواهد بود. از مهم‌ترین راهکارهای عملیاتی جهت اصلاح و ارتقاء نظام مالی اسلامی می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

طراحی نظام گزارشگری شرعی و نظارتی برای پایش عملکرد بانکی و اطمینان از انطباق فعالیت‌ها با اصول فقهی و مقاصد شریعت؛

ایجاد سیستم اطلاعاتی برای حفظ مسئولیت امانت‌داری بانک‌ها در قبال منابع سپرده‌گذاران و سرمایه‌گذاری در حوزه‌هایی با بازدهی مشروع و مناسب؛

توسعه ابزارهای مالی اسلامی در بازار بین‌بانکی و بازار ثانویه با هدف افزایش انعطاف‌پذیری در جذب نقدینگی و مدیریت ریسک؛

طراحی سازوکار دقیق برای تسهیم سود و زیان در عقود مشارکتی میان سپرده‌گذاران و سرمایه‌پذیران به‌جای تکیه بر نرخ‌های ثابت و تضمینی؛

ایجاد نظام حسابداری شفاف، تفکیک‌پذیر و تخصصی جهت جلوگیری از اختلاط سپرده‌ها، محاسبه سود واقعی هر پروژه و ارائه اطلاعات دقیق به سپرده‌گذاران؛

بازنگری قراردادهای بانکی با حضور فقها و متخصصان برای حذف شروط غیرمنصفانه، رفع شبهات ربوی و تأمین عدالت قراردادی؛

تشکیل شورای فقهی مستقل و مقتدر در بانک مرکزی و شعب بانکی با اختیارات قانونی لازم برای بررسی شرعی تمام مراحل تدوین، اجرا و تفسیر عقود؛

فرهنگ‌سازی فراگیر در سطح جامعه از طریق آموزش‌های عمومی، رسانه‌ها و نهادهای علمی برای ارتقاء سطح آگاهی عمومی نسبت به بانکداری اسلامی و ابزارهای مالی مشروع؛

تربیت و تجهیز نیروی انسانی متخصص و متعهد در حوزه‌های فقهی، اقتصادی و مدیریتی برای تحقق نظام بانکداری مبتنی بر شریعت؛

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-24]

تقویت اخلاق اسلامی در ساختار مدیریتی و اجرایی بانک‌ها برای مقابله با فساد، رانت‌خواری، تبعیض ساختاری و تحقق رفاه اجتماعی؛

ایجاد ساختار سازمانی یکپارچه و هماهنگ در سطح بانک‌ها برای هم‌افزایی عملکردی و توسعه محصولات مالی شرعی در چارچوب اقتصاد مقاومتی؛

توزیع عادلانه و غیرتبعیض‌آمیز منابع بانکی برای مردمی‌سازی اقتصاد و گسترش عدالت اجتماعی در اعطای تسهیلات به آحاد مردم.

در پایان، تأکید می‌شود که عبور از ساختار صوری و ناکارآمد فعلی به سوی نظام تأمین مالی اسلامی مبتنی بر مشارکت واقعی، نیازمند بازنگری بنیادین در ساختار حقوقی، فقهی، اجرایی و فرهنگی نظام بانکی است. این تحول تنها با مشارکت فعال قانون‌گذاران، مدیران بانکی، دانشگاهیان، نهادهای نظارتی، و مردم مؤمن و آگاه امکان‌پذیر بوده و می‌تواند الگویی پایدار و پویا برای نظام مالی اسلامی در سطح ملی، منطقه‌ای و جهانی ارائه نماید.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-24]

منابع

۱. الهیان، محمد؛ الهیان، حسین. (۱۳۹۲). حاکمیت اراده در فقه امامیه و حقوق ایران. *مجله فقه و حقوق اسلامی*، ۱۷(۲)، ۶۵-۸۸.

۲. باباجانی، جعفر؛ شکرخواه، امیرحسین. (۱۳۹۱). تحلیل سیستم حسابداری بانکداری اسلامی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

۳. باریکلو، علیرضا. (۱۳۹۴). تحلیل ماهیت حقوقی عقد مشارکت مدنی. تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.

۴. حاتمی، علی؛ کریمیان، اسماعیل. (۱۳۹۹). حقوق سرمایه‌گذاری خارجی در پرتو قانون و قراردادها. تهران: انتشارات تیسا.

۵. حاجیان، مرتضی. (۱۳۹۰). مشکلات و موانع اجرای عقود مشارکتی در نظام بانکی کشور. تهران: پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی.

۶. حکیم، سیدمحسن. (۱۴۱۶ق). مستمسک العروة الوثقی. قم: انتشارات دارالمرتضی.

۷. داودی، ابوالفضل؛ صمصامی، محمد. (۱۳۹۲). به‌سوی حذف ربا از نظام بانکی در بانکداری اسلامی. تهران: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).

۸. رائعی، حسن؛ مولاییان، زهرا. (۱۳۹۳). عدالت و اراده در قراردادهای بانکی. *فصلنامه مطالعات حقوقی اسلامی*، ۹(۳)، ۲۵–۴۸.

۹. رمضان‌پور، داوود؛ صادقی فدکی، مرتضی. (۱۳۸۹). شرایط تحقق سود در عقود مشارکتی. *فصلنامه پژوهش‌های فقه اقتصادی*، ۸(۱)، ۹۳-۱۱۵.

۱۰. رمضان‌پور، داوود؛ ملاکریمی، ابوالفضل. (۱۳۹۴). تحلیل فقهی و حقوقی مشارکت مدنی در نظام بانکداری بدون ربا. *فصلنامه اقتصاد اسلامی*، ۱۱(۳)، ۳۱-۵۲.

۱۱. رمضان‌پور، داوود؛ ملاکریمی، ابوالفضل. (۱۳۹۷). تحلیل فقهی و حقوقی قراردادهای بانکی. *پژوهش‌های فقه اقتصادی*، ۱۰(۴)، ۱۲۱-۱۴۰.

۱۲. زین‌الدین بن علی (شهید ثانی). (۱۴۱۰ق). الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة (ج۴). قم: انتشارات دارالمرتضی.

۱۳. زین‌الدین بن علی (شهید ثانی). (۱۹۹۲م). الروضة البهیة. بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.

۱۴. ساردویی‌نسب، مصطفی؛ کاظم‌پور، امید. (۱۳۹۰). بررسی مبانی شروط غیرمنصفانه در قراردادها. *مجله حقوق خصوصی*، ۳(۱)، ۹۹-۱۲۱.

۱۵. سلطانی، ناصر؛ حدادی، رضا. (۱۳۹۶). تعیین نرخ سود در قراردادهای مضاربه و تأثیر آن بر ماهیت عقد. *فصلنامه اقتصاد اسلامی*، ۱۹(۲)، ۷۳-۹۶.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-24]

۱۶. سیدنورانی، محمد؛ فتاحی، علیرضا؛ رضایی، مهدی؛ اسماعیلی، نادر. (۱۳۹۸). الگوی نهادی اجرای عقود مشارکتی در مؤسسات مالی اسلامی. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.

۱۷. سیدنورانی، محمد؛ فتاحی، علیرضا؛ رضایی، مهدی؛ اسماعیلی، نادر. (۱۳۹۸). بانکداری اسلامی و سازوکار تقسیم سود. *نشریه اقتصاد و بانکداری*، ۲۱(۴)، ۴۴-۶۷.

۱۸. سیفی مازندرانی، محمد. (۱۴۲۷ق). القواعد الفقهیه. قم: انتشارات دارالفکر.

۱۹. شهبازی، حسن؛ صادقی، سعید؛ پورقاسم، الهام. (۱۳۹۴). تأثیر سیاست‌های مالی دولت بر عملکرد پولی. *فصلنامه اقتصاد و توسعه*، ۱۲(۳)، ۲۷-۵۰.

۲۰. شهیدی، سید جعفر. (۱۳۹۰). بررسی تطبیقی حقوق مدنی ایران و فرانسه. تهران: انتشارات سمت.

۲۱. صدر، محمدباقر. (۱۴۰۳ق). البنک اللاربوی فی الاسلام. قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار شهید صدر.

۲۲. طباطبایی یزدی، سید محمدکاظم. (۱۴۰۴ق). العروة الوثقی. قم: مؤسسه نشر اسلامی.

۲۳. طباطبایی، سیدمحمدحسین. (۱۳۹۱ق). تفسیر المیزان. قم: دفتر نشر اسلامی حوزه علمیه.

۲۴. علامه حلی. (۱۴۲۰ق). تحریر الاحکام الشرعیة علی مذهب الامامیه. قم: مؤسسه دارالهجرة.

۲۵. غلامی، محمد؛ صالحی، سمیرا؛ میثمی، احسان. (۱۳۹۶). ارزیابی استانداردهای حسابداری در عقود اسلامی. *پژوهش‌های فقه اقتصادی*، ۹(۲)، ۱۱۵-۱۳۳.

۲۶. قادری، محمد. (۱۳۸۲). سیاست‌های بانکداری اسلامی و کارکردهای مشارکتی. تهران: مرکز تحقیقات اقتصادی.

۲۷. قائمی‌اصل، محمد؛ ولائی، ناصر. (۱۳۹۹). نهادهای نظارتی و شفافیت بانکی. *پژوهش‌های اقتصادی اسلامی*، ۱۳(۱)، ۵۵-۷۸.

۲۸. کاتوزیان، ناصر. (۱۳۸۵). نظریه عمومی قراردادها. تهران: گنج دانش.

۲۹. کاتوزیان، ناصر. (۱۳۹۱). حقوق مدنی: مشارکت‌ها و صلح. تهران: انتشارات گنج دانش.

۳۰. کاتوزیان، ناصر. (۱۳۹۹). حقوق مدنی – عقود. تهران: انتشارات گنج دانش.

۳۱. کریمی، مهدی. (۱۳۸۱). شروط تحمیلی در قراردادها. *مجله دانش حقوقی*، ۶(۱)، ۲۱-۴۰.

۳۲. محقق‌نیا، محمدرضا. (۱۳۹۵). ساختار بانکداری اسلامی و ارائه الگویی برای بانکداری اسلامی در ایران. تهران: پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی.

۳۳. محمدی، داوود؛ شعبانی، امیر. (۱۳۸۷). کارایی نظام بانکداری اسلامی و چالش‌های آن. تهران: پژوهشکده پولی و بانکی.

۳۴. محمدی، عبدالحمید شیروی. (۱۳۹۶). حقوق مدنی: قراردادهای ویژه. تهران: انتشارات سمت.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-24]

۳۵. محمودیان، محمد. (۱۳۹۶). نظریه عمومی قراردادها. تهران: انتشارات سمت.
۳۶. مختاری، وحید. (۱۳۹۵). چالش‌های فنی اجرای عقود مضاربه در بانکداری بدون ربا. قم: مرکز پژوهش‌های اسلامی.
۳۷. موسوی خمینی، سید روح‌الله. (۱۴۲۱ق). تحریرالوسیله. قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۳۸. موسویان، سیدعباس. (۱۳۸۷). بررسی مفهوم و ساختار عقود مشارکتی در بانکداری اسلامی. *نشریه پول و اقتصاد*، ۱۳(۱)، ۴۵–۶۶.
۳۹. موسویان، سیدعباس. (۱۳۸۹). تحلیل سازوکار تقسیم سود در قراردادهای بانکداری اسلامی. *پژوهش‌های اقتصاد اسلامی*، ۱۵(۳)، ۸۷–۱۰۲.
۴۰. میرجلیلی، محمدرضا. (۱۳۹۴). الگویی برای سازماندهی مجدد نظام بانکی منطبق با نظام مالی بدون بهره. تهران: انتشارات بانکداری اسلامی.
۴۱. نجفی، محمدحسن. (۱۳۹۱). جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام (چاپ ترجمه). تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۴۲. نصرآبادی، محمد؛ شعبانی، امیر. (۱۳۸۷). کارایی نظام بانکداری اسلامی و چالش‌های آن. *نشریه پژوهش‌های پولی و بانکی*، ۴(۲)، ۹-۳۲.
۴۳. واعظ، حمیدرضا. (۱۳۹۰). شناورسازی نرخ سود در نظام بانکی ایران. تهران: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.
۴۴. والی‌نژاد، محمدرضا. (۱۳۸۸). آسیب‌شناسی اجرای عقود مشارکتی در بانکداری اسلامی. *مرکز مطالعات راهبردی اقتصاد اسلامی*، ۲(۱)، ۱۱-۳۶.
۴۵. هاشمی شاهرودی، سید محمود. (بی‌تا). الشرکه. قم: مؤسسه دارالفکر.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-24]